حاج سيد جوادي، احمد؛ فاني، كامران؛ خرمشاهي، بها الدين؛

دايرة المعارف تشيع، جلد سوم، بنياد خيريه و فرهنگي شط، تهران، ١٣٧١، ص ٤١٦.

دايرة المعارف تشيع

زير نظر

احمد صدر حاج سيد جوادي

كامران فاني بها الدين خرمشاهي

جلد سوم

ب ـ پيكار

بنياد خيريه و فرهنگي شط

تهران، ١٣٧١

دختران با ورود به سن ده سالگي و ظهور علايمـي از قبيـل احـتلام و حـيض و غيره وارد بلوغ مي‌شوند. اسلام براي اين دوران اهميت فراواني قائـل شـده اسـت، زيـرا كودك يا نوجوان به بلوغ مي‌رسد، وارد مرحله تازه و عـاليتري از ادراك و شـعور و فهـم مسايل و احساس مسئوليت مي‌گردد، از اين رو خداوند اين سن معـين را فاصـله ميـان كودكي و مردانگي يا زنانگي قرار داده است و با ورود به اين دوران كليه احكـام شـرعيه بر اين پسر بالغ يا دختر بالغ مترتب مي‌شود، بدين معنـي از لحظـه‌اي كـه دختـر و يـا پسري علامت‌هاي مذكور در آنها پديدار شد شرعاً آنها مكلـف بـه انجـام كليـه تكـاليف شرعيه اعم از اوامر و نواهي مي‌باشند. با توجه به اين تكليف شرعي است كه در اصطلاح عامه مردم دوران بلوغ را دوران تكليف مي‌گويند. بنابر روايات و متون فقـه از لحظـه‌اي كه كودك (اعم از پسر يا دختر) بالغ مي‌شود در واقع شخصيت مستقلي است كـه از آن لحظه بايد با توجه به آن استقلال عمل نمايد. بنـابر روايـات از لحظـه بلـوغ اسـت كـه كارهاي نيك و بد انسان ثبت مي‌گردد و در روز قيامت مورد مؤاخـذه و بازپرسـي قـرار مي‌گيرد. در كتاب‌هاي فقهي بالغين از احكام خاصي برخوردارند، آن احكام عبارتنـد از: ١) كليه واجبات شرعيه از قبيل نماز، روزه، خمس، زكاة بر انسان بالغ واجـب اسـت؛ ٢) فرد بالغ است كه در معاملات مي‌تواند شركت نمايد و قرار داد امـضا كنـد. لـذا كـودك حق تصرف در اموال، حق خريد، فروش، قـرض گـرفتن و دادن، ازدواج، طـلاق، اجـاره، مضاربه، مزارعه، مساقاة، ضامن شدن، حواله دادن و گـرفتن، كفالـت، هبـه دادن، وقـف نمودن، اقرار نمودن، شهادت، امامت جماعت و جمعه، قذف و مرتد شدن را ندارد (تنهـا شهادت نابالغ در مورد قتل قبول است)؛ ٣) كليه حدود شرعي بر بالغ جاري مـي‌شـود، نابالغ در صورت ارتكاب قتل از حد معاف است؛ ٤) هر مسلماني ملزم است پسر خـود را پس از تولد ختنه نمايد و اگر در سال‌هاي طفوليت اين امر بـه تـأخير افتـاده باشـد، در هنگام بلوغ بايد ختنه شود.

منابع: منهاج الصالحين، ٣٦/١ به بعد، ١٨/٢ به بعد؛ مباني العروة الـوثقي، ٢٠/١؛ مباني تكملة المنهاج، ١٠/١ به بعـد، ٣/٢، ٧٥؛ وسـايل الـشيعة، ج ١٨، ابـواب مقـدمات الحدود، باب ٦، شهادات، باب ٢٢. دايرة المعارف

بله، يا بلاهت به معني غفلت، كندفهمي، كودني، ناداني و به كـار نگـرفتن عقـل است. در اصطلاح دانش اخلاق بله يا بلاهت يكي از دو رذيلتي است كه در برابر فضيلت

حكمت قرار دارد و آن در گذشتن يا عـدول انديـشه از اعتـدال (= حكمـت) بـه سـوي تفريط است، چنانكه سفه در گذشتن نيروي فكري است از اعتدال (= حكمت) به سوي افراط. (← سفه). اين عدول انديشه يا قوت فكري از اعتدال به سوي تفريط كـه همانـا تعطيل قوه فكري است به گفته حكما از روي اراده است، نه از روي خلقت. خواجه نصير تصريح مي‌كند كه ((بله تعطيل قوت فكري بود به ارادت، نه از روي خلقت)).

منابع: اخلاق ناصري، چاپ مينوي، ۱۱۹؛ گوهر مراد، چاپ موحد، ۳۵٦؛ نفـايس الفنون، ۳۷۲/۲؛ اخلاق عالم آرا، ۳٦.

اصغر دادبه

بم، شهر (جمعيت در ۱۳٦۵ ش ٦۸٦۹٦ نفر)، مركز شهرستان بـم (جمعيـت در ۱۳٦۵ ش ـ ۱٦٦۷۰۱ تن). در ۵۸ درجـه و ۲۱ دقيقـه طـول شـرقي و ۲۹ درجـه و ٦ دقيقه عرض شمالي، در مشرق استان كرمان، در ارتفاع ۱۰۷٦، متري از سطح دريا و به فاصله ۱۹۳ كيلومتري از مركز استان واقع است. بـم از شـهرهاي كهـن ولايـت كرمـان است و قدمت آن به دوره ساساني مي‌رسد. در قرون نخـستين اسـلامي كـه خـوارج در جنوب شرقي ايران نفوذ فراوان داشتند بم نيز از آنها خالي نبوده چنانكه به گفته مؤلـف حدود العالم خوارج مسجد جداگانه‌اي در اين شهر داشتند. پارچه‌هاي زيبا و فاخري كه در بم مي‌بافتند به جاهاي دور دست صادر مي‌گشت و از مراكز مهم پرورش كرم ابريشم و بافت پارچه‌هاي ابريشمي بوده است. دژ استوار بم از سده چهارم هجري شهرت داشت و اغلب جغرافيانويسان مسلمان از آن ياد كرده‌انـد. ارگ بـم از ديربـاز مقـر سـلاطين و فرمانروايان كرمان و محبس گردنكشان منطقه بوده است. ايـن ارگ در ۱۱۳۱ و ۱۱۳٤ ق، دو بار به تصرف محمود افغان درآمد و تا ۱۱٤۲ ق در دست افغان‌ها باقي ماند. نـادر پس از بيرون راندن افغان‌ها ارگ بم را مرمت كرد. در ۱۲۵۳ ق، كـه آقـا محمـد خـان محلاتي، حكمران كرمان سر به شورش برداشـت در ارگ بـم محـصور گرديـد و چـون محاصره او به دراز كشيد سكنه بم از شهر بيرون آمده شـهر تـازه‌اي در ۵۰۰ متـري آن برآوردند. پساز آن بم كهنه رو به ويراني نهاد و تنها شماري از افـراد نظـامي در ارگ آن باقي ماندند. بم جديد در اواخر سده سيزدهم هجري شهري آبادان بود و شش حمـام و مساجد متعدد و يك مدرسه علوم ديني به نام مدرسه جد سادات داشت. امروزه بـم در شمار شهرهاي بزرگ استان كرمان و از مراكز مهم كـشاورزي و دامپـروري منطقـه بـه

شمار مي‌رود. مهمترين محصولات آن عبارتند از خرما، مركبات، غلات، حنا، سيب زميني، بقولات و انواع ميوه‌هاي درختي. بجز بلوچ‌هاي مهاجر كه مذهب سنت مي‌ورزند اكثر سكنه بم شيعي مذهبند و از شيعيان اندكي نيز از طريقه شيخي پيروي مي‌كنند. شهرستان بم داراي سه بخش مركزي، نرماشير و راين و شانزده دهستان است.

منابع: سرشماري عمومي نفوس و مسكن. ١٣٦٥ ش؛ جغرافياي كرمان. ٩٢ ـ ١٠٩؛ دايرة المعارف سرزمين و مردم ايران، ٦٥٤ ـ٦٥٥؛ سرزمين‌هاي خلافت شرقي، ٣٣٥ ـ ٣٣٦؛ عقد العلي للموقف الاعلي، ١٢٨ ـ ١٢٩؛ مرآت البلدان، ٣٥٠/١ ـ ٣٥٣؛ تاريخ سلجوقيان و غز در كرمان. در اغلب صفحات.

حسن انوشه

بمبئي، بندري در ساحل غربي شبه قاره هند در درياي عربستان، كه در موقعيت جغرافيايي ١٩ درجه و ١١ دقيقه عرض شمالي و ٧٢ درجه و ٥٠ دقيقه طول شرقي واقع است. اين شهر بندر كه امروزه مركز ايالت ماهاراشترا جمهوري هند و مرفه ترين (و در عين حال گرانترين) شهر اين سرزمين پهناور است، مركز پولي و مالي و بازرگاني هند و دومين شهر بزرگ اين كشور نيز به حساب مي‌آيد. بمبئي روزگاري جزيره‌اي (و يا در واقع مجموعه‌اي از ٧ جزيره بعضاً به هم پيوسته) در ساحل غربي شبه قاره هند بوده كه در ميان مرداب‌ها و تالاب‌ها ملاريا خيز محصور بوده